

اقتصاد سیاسی

**پرولت تولید می کند**

**سرمایه دار**

**ارزش اضافه می برد**

ف. م. جوانشیر

## ۲- هدف تولید سرمایه داری و قانون مطلق این شیوه تولید

اگر کسی پای منبر سرمایه داران بنشیند یا سخنرانی های پرطمطراق آن ها را که صفحات روزنامه های کشورهای سرمایه داری از جمله کشور ما را پر می کند، بخواند، گمان خواهد برد که تولید سرمایه داری امر اقتصادی نیست و تنها بر اثر انگیزه های اخلاقی بسیار مجردی در گردش است. آقایان سرمایه داران، سرمایه گذاری خود را عاملی برای "افزایش قدرت و ثروت و عظمت کشور"، "تمامین رفاه عامه"، "تحصیل رضایت مصرف کننده" و غیره معرفی می کنند و هر روز صد بار تاکید کرده و منت بر سر کارگران می گذارند که برای هزاران نفر کار تهیه کرده اند، "به آنان نان می دهند"، "از خانواده های فلک زده آنان نگاهداری می کنند" و غیره و غیره. اما در واقع امر این ترهات که سهل است، آفرینش ارزش مصرف هم چنانکه گفتیم هدف سرمایه دار نیست. قصد سرمایه دار تولید کننده نخ یا کبریت، نه نخ است، نه کبریت، تصاحب اضافه ارزشی است که بر اثر کار کارگر تولید می شود. آفرینش ارزش مصرف فقط محمل و وسیله ای است برای رسیدن به این هدف، سرمایه دار کارگر را برای تولید نخ یا کبریت استخدام نکرده بلکه برای تولید اضافه ارزش به کار گرفته است.

**تولید اضافه ارزش هدف تولید سرمایه داری و قانون مطابق این شیوه تولید است.**

مارکس می گوید:

"در این شیوه تولید، نیروی کار برای آن خریداری نمی شود که به وسیله خدمت آن نیرو و یا محصولی که به وجود می آورد نیازمندی های شخصی خریدار برآورده شود. هدف آن ارزش افزایی سرمایه خریداری است، یعنی تولید کالایی است که بیش از آنچه پرداخت شده کار در برداشته باشد. بنابر این محتوى قسمت ارزشی باشد که خریدار بابت آن چیزی نپرداخته است و با این وجود به وسیله فروش کالا نقد می شود. تولید اضافه ارزش یا افزونگری قانون مطلق این شیوه تولید است<sup>(۱)</sup>.

پکی از سرمایه داران ایرانی در لحظه ای که از شدت ریاکاری خسته شده و آن را مانعی بر سر راه کسب سود بیشتر می بیند، برخلاف همقطاران خود صراحت را ترجیح داده همین مطلب را که مارکس با بررسی علمی خویش ثابت کرده به زبان رجزخوانی و مبارزه جوئی به شرح زیر بیان می کند:

"مردم و مقامات مسئول باید بدانند! که منفعت محرک اصلی سرمایه گذاری است و به هیچ وجه هم چیز بدی نیست! سرمایه گذاری خصوصی برای منفعت است"<sup>(۱)</sup>.

این سرمایه دار طلب می کند که "ارزش های اجتماعی" و اخلاق عمومی تغییر داده شود، تا مردم برای چنین شیوه تولیدی احترام قائل شوند و هر سرمایه داری را که بیشتر منفعت می برد محترم تر بدارند! اما برخلاف ادعا و انتظار سرمایه داران، شیوه تولیدی که محرک اصلی آن کسب منفعت باشد، چیز بسیار بسیار بدی است و هرگز نمی تواند شالوده سالمی

<sup>(۱)</sup> مارکس- کاپیتال. جلد اول ، چاپ فارسی، ص ۵۶۱ / تکیه از ماست

<sup>(۱)</sup> نشریه پنجمین کنفرانس اتاق بازرگانی کشور، تهران ۱۳۴۹، ص ۲۱۳

برای تکامل همه جانبه اجتماع بشری به وجود آورد. مارکس این واقعیت را با بررسی علمی و منطق آهنین خویش اثبات می کند. و ما گام به گام به دنبال او پیش می رویم.

### ۳- سرمایه چیست؟

پس از توضیحاتی که دادیم اینک می توانیم به مطلبی که در آغاز فصل سوم بیان کردیم برگرددیم و تاکید کنیم که اگر چه سرمایه درنظر اول چیزی نیست جز مبلغ چشمگیری پول، اما در واقع امر هر پولی سرمایه نیست. سرمایه پولی است که ارزش آن با تصاحب اضافه ارزش تولید شده توسط کارگران افزایش می یابد.

"در پله معینی از تولید کالایی پول به سرمایه بدل می شود<sup>(۲)</sup>" و آن وقتی است که نیروی کار بدل به کالا شود و صاحب پول بتواند با پول خود این کالای ویژه را بخرد و با تصاحب اضافه ارزش حاصله از مصرف مولد آن، این پول را بزرگ و بزرگتر کند. به عبارت دیگر سرمایه یک مشت پول نیست، اهرم بهره کشی از کارگر است، یک شیئی نیست.

"یک رابطه ویژه و از نظر تاریخی معین تولید اجتماعی" است<sup>(۳)</sup>.

به سخن مارکس:

"سرمایه شیئی نیست، رابطه تولیدی - اجتماعی معینی است که به فرماسیون تاریخی معینی از جامعه تعق دارد. رابطه ای است که در شیئی تجسم یافته و به این شیئی خصلت ویژه اجتماعی می دهد<sup>(۱)</sup>".

سرمایه بیانگر آن مناسبات تولیدی است که میان طبقه کارگر محروم از مالکیت وسایل تولید و مجبور به فروش نیروی کار و طبقه سرمایه دار مالک وسایل تولید برقرار می شود و بنابر آن بخشی از حاصل زحمت، به رایگان به تصاحب سرمایه داران در می آید.

باتوجه به آنچه گفتیم روشن است که برای پیدایش و ادامه شیوه تولید سرمایه داری کافی نیست که مقدار قابل ملاحظه ای پول در دست عده معدهودی جمع شود. این شرط لازم است ولی کافی نیست. علاوه بر آن باید تعداد کثیری از مردم از هر گونه مالکیت وسایل تولید محروم گردند و جز فروش نیروی کار خویش راهی برای ادامه زندگی نداشته باشند. در عین حال آن ها باید آزاد باشند که نیروی کار خود را بفروشند. برده، محروم از مالکیت وسایل تولید است ولی آزاد نیست که نیروی کار خود را به هرکس خواست بفروشد. رعیت نیز از مالکیت وسایل تولید بویژه مالکیت زمین محروم است ولی باز هم یا رسما و قانونا و یا عملا و بنابر شرایط عمومی اقتصادی سیاسی کشور، قادر به ترک زمین و فروش آزاد نیروی کارش نیست.

سرمایه داری زمانی پدید می آید که در سطح بالایی از تکامل تولید کالایی اولا - مقادیر قابل ملاحظه ای پول در دست عده معدهودی گرد می آید و ثانیا تعداد کثیری از مردم بدل به پرولتر می شوند، یعنی بدل به انسان هایی می شوند که از دو نظر "آزادند".

۱- از نظر شخصی و حقوقی آزادند و حق دارند نیروی کار خود را به هرکس خواستند بفروشند.

۲- از هرگونه مالکیت وسایل تولید "آزادند" و برای زنده ماندن چاره ای جز فروش کار خویش ندارند.

دربحث از اهمیت تئوری مارکسیستی - لینینیستی تولید کالایی به چگونگی ورشکست شدن و پرولتر شدن توده های کثیر دهقانان و پیشه وران خرد پا که زمینه رشد سرمایه داری را فراهم می آورد، اشاره ای داشتیم. در پایان این بخش به این بحث برخواهیم گشت و نشان خواهیم داد که سرمایه داری چگونه جاده را برای پیشرفت خود می کوبد، چگونه با فئودالیسم می جنگد، تا نیروی کار رعیت ها را "آزاد" کند و در اختیار خود گیرد. و با چه بی رحمی

(۱) لینین، کارل مارکس، ترجمه فارسی، ص ۱۳

(۲) لینین، کارل مارکس، ترجمه فارسی، ص ۱۳

(۳) مارکس، جموعه آثار مارکس و انگلیس جلد ۲۵، ص ۳۸۰ - ۳۸۱ چاپ روسی

میلیون ها انسان را از هستی ساقط می کند تا قطب پرولتری را به وجود آورد. آنچه در اینجا تذکر آن را به آموزندگان درسنامه ضرور می دانیم این است که ضمن توجه به انباشت ثروت در قطب سرمایه داران، هرگز آنچه را که در قطب مقابل می گذرد از نظر دور ندارند و توجه داشته باشند که :

تولید سرمایه و انباشت آن در یک قطب همواره با تولید پرولتر در قطب دیگر همراه است. سرمایه شیئی بی حرکتی نیست، دائما در حرکت و دوران است و در جریان این حرکت مداوم است که به هدف خود: تولید و تصاحب اضافه ارزش دست می یابد. در جریان این حرکت است که به طور مداوم قشرهای وسیعی از جامعه را از مالکیت وسائل تولید محروم می کند و به صفوف پرولتاریا: فروشندهان الزامی نیروی کار و بردهان نوین می راند. سرمایه دار بدون قطب مقابل خود: پرولتر، وجود ندارد.

راه توده ۱۸۵ ۱۴,۰۷,۲۰۰۸